

نهاد برگزار کننده همایش: موسسه قانون یار

((با همکاری و حمایت معنوی دانشگاه فرهنگیان، آموزش و پرورش، بنیاد شهید و امور ایثارگران، سازمان ارشاد اسلامی، سازمان شهرداری (استان کرمانشاه) مرکز اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی (استان تهران) و ...))

سردبیر علمی و مسئول برگزاری همایش: دکتر بهنام اسدی (نماینده مقالات در ۸ پایگاه ملی و بین المللی)

تاریخ برگزاری همایش: ۱۱ اسفند ۱۴۰۱ شماره مقاله: ۱۹/۸۰۵۵ رده بندی کنفرانس: الف ۲۴/۴۸۸

بررسی جایگاه زن در کتاب شوهر آهو خانم از علی
محمد افغانی و هزاران خورشید تابان از خالد حسینی
آغاماه حیدری^۱

کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی

الیاس نورایی

استادیار زبان و ادبیات فارسی، استاد دانشگاه رازی

زهره حیدری

کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی

چکیده

داستان را باید خاستگاه ادبیات دانست که زن به عنوان شخصیت بارز، پیوسته در آن حضور پررنگی داشته‌است و از میان انواع ادبی از سرمایه‌های فرهنگی یک ملت می‌باشد که بررسی ذوقی زوایای پنهان آن می‌تواند ما را در فهم دقیق محتوا و مفهوم داستان یاری کند. کتاب هزاران خورشید تابان واقعیتی است که گویای فقر فرهنگی است که بر جامعه افغانستان سایه افکنده‌است و مسئله قدرت محوری مرد می‌باشد، قدرتی که خالد حسینی از آن بحث می‌کند از جنس قدرت معمولی نیست بلکه قدرتی که در آن جنس مذکر جنس مخالف خود را به فنا و سیاهی می‌کشانند. در این داستان جدال عشق و نفرت و سنت و مدرنیته را به نظاره می‌نشینیم. رمان شوهر آهو خانم تصویر واقع گرایانه‌ای است که علی محمد افغانی در این رمان از یک جامعه بیمار به تصویر می‌کشد و بیمارگونگی تصورات اغلب مردم این دوره را نسبت به زن ایرانی افشا می‌کند. او با تبحری تحسین برانگیز فضای متشنج یک خانواده را در طی هفت سال با توالی منظمی باز آفرینی می‌کند و به بیان جزئیات و ریزه کاری‌های این فضا به تفصیل می‌پردازد. نگارندگان نظر دارند در این جستار با تکیه بر روش تحلیلی توصیفی، به بررسی زوایای پنهان جایگاه زن در این دو رمان بپردازند و اثبات کنند این تعصبات کور به هیچ سنت و ادیانی منتسب نیست. در این دو رمان به صراحت افول مساوات و رعایت حقوق زن در جامعه و عدم حمایت اجتماعی و فرهنگی از زنان و کودکان شیوع دارد و ارتجاع و تعصب را با جالب ترین تصاویر نشان داده است. یافته های این مقاله

^۱ نویسنده مسئول

حاکمی از این است که فقر فرهنگی و معنوی، نگرش غلط به دین در بارهٔ عفاف، شیوع تعصبات و سنت‌های دست و پا گیر کهن، دلیل اصلی اجحاف در حق زنان این جوامع بوده است. عدم فضای فرهنگی، اجتماعی و سیاسی برای زنان جوامع، سبب نزول شأن و شوکت او می‌شود و او را که مهرهٔ اصلی پرورش پتانسیل‌های آینده‌ی مملکت هستند دچار تزلزل و بحران می‌کند.

کلمات کلیدی: علی محمد افغانی، خالد حسینی، شوهر آهو خانم، هزاران خورشید تابان، زن، رمان

بخش اول: کلیات

بند اول: مقدمه

شناخت محدود ما از کشورهای همجوار باعث شده است که از این حقیقت مهم غافل شویم که چه اشتراکات غنی و عظیمی با هم داریم و هویت خود را مستقل از آنها بدانیم و این واقعیت مهم را درک نکنیم که زبان فارسی دچار سه‌گانگی شده است در حالی که یک زبان واحد است ولی با سه نام متفاوت معرفی می‌شود. در ایران فارسی، در افغانستان دری و در تاجیکستان با نام تاجیکی نام‌گذاری شده است. که خود مهمترین و اصلی‌ترین اشتراکات بین ملل منطقه محسوب می‌شود و این امر جدا انگاشتن زبان ما را تا حد زیادی از لحاظ همدلی و هم‌زبانی از هم بیگانه کرده است. همین غفلت‌هاست که نمی‌اندیشیم بلخ، غزنین، بدخشان، فاریاب، مرو، هرات و بادغیس که شاعران و ادبای صاحب ذوق و هنر از آنجا برخاسته‌اند و فرهنگ مشترکمان با آنها را به رشته قلم کشیده‌اند. اما باید خدا را سپاس گفت که دولتمردان و مسئولان سیاسی با ارتباطات اقتصادی و سیاسی که با افغانستان دارند بسیاری از این مشترکات را حفظ و حتی توسعه داده‌اند به عنوان مثال جدا از پذیرش پناهندگان افغانی که همه به این امر واقفیم، حضور نخبگان افغانستانی ساکن در ایران، پیوندهای عمیق فرهنگی بین این دو کشور را تقویت کرده است. ولی متأسفانه کمبود امکانات و زمینه‌های اداری و مالی کافی سبب شده است که تعداد کثیری از ادبا و شاعران افغانستانی که مشتاق حضور در ایران هستند از این مزایا محروم باشند و نبود این ارتباطات فرهنگی موجب ضربه‌های فرهنگی بین دو کشور است. و این مشکل عظیم باید با رایزنی‌ها و مدیریت دولتمردان رفع شود. جایی دارد که اینجا یادآور شویم که دولت جمهوری اسلامی ایران در چند سال اخیر خدمات مفیدی در حوزه‌ی آموزش، بهداشت و درمان در افغانستان به طور جدی انجام داده است که امیدواریم متعاقب آن از نظر علمی و فرهنگی ارتباطات مستحکم‌تری را ادامه دهیم. البته ناگفته نماند که دولت افغانستان نیز برای تقویت این مشترکات اقدامات چشمگیری کرده است. کشور افغانستان به دلیل همجواری با سیستان و بلوچستان و نفوذ زبان بلوچی در آن دیار، حدود ۲۳ ولایت و روستای افغانستان به زبان بلوچی تکلم می‌کنند و مسئولان وظیفه‌شناس دولت افغانستان خود را ملزم به اجرای تدریس زبان بلوچی در کشور خود دانسته است.

زبان مردم افغانستان دری و بلوچی است. برخی از زبان‌شناسان زبان بلوچی را در رده‌ی زبان پارتی در ایران باستان (پهلوی) قرار می‌دهند. از نظر مذهب هم در هردو کشور مسلمان شیعه و سنی تابع دین و شریعت محمدی هستند. آداب و رسوم عامیانه‌ای دارند که با سنت ایرانیان مشترک است از جمله آداب مراسم نوروزی و چهارشنبه سوری و هفت سین و دیگر رسوم سنتی دارای یگانگی فرهنگی هستند. «این اشتراکات بدان دلیل بسیار عظیم و پررنگ است که قسمت اعظم کشور افغانستان را سرزمین ایران تشکیل داده‌است بخش بزرگی از سیستان و بلوچستان قدیم و قسمت مهمی از خراسان باستان و همچنین قسمتی از رود هیرمند و حوالی آن که سرزمین‌های مکران را تشکیل می‌دهد در افغانستان قرار دارد.» (نفیسی، ۱۳۷۴: ۵۵۳)

شباهت‌ها و اشتراکاتی که در دو داستان ذیل ایراد می‌شود همه تحت تأثیر این مشترکات فرهنگی است که در اثر همجواری و همسایگی با هم کسب کرده‌اند البته نا گفته نماند اکثر این تأثیراتی که در اینجا قید می‌گردد منفی و آنها را در منجلاب فقر و درماندگی و عقب افتادگی می‌افکند. نویسندگان و هنرمندان که حساس‌ترین قشر جامعه هستند چون در فضای اختناق آور اجازه‌ی فریاد از بیداد حاکمان روز را ندارند لاجرم با صلاح قلم به افشای ستم آنان می‌پردازند و غیر مستقیم فریادهای بی‌صدای آنان را به گوش جهانیان می‌رسانند این خود ادله‌ی بسیار موثقی است که آنها را وادار به نگارش رمان‌های اجتماعی و در لایه‌های پنهانی، رمان‌های سیاسی می‌کند که خالد حسینی و علی محمد افغانی از جمله‌ی این نویسندگان قهار و متبحر هستند.

«رمان مهمترین و معروفترین شکل تبلور یافته‌ی ادبی روزگار ماست که از اوایل مشروطیت به قصد انتقاد از اوضاع اداری و اجتماعی، سیاسی و اقتصادی روزگار به وجود آمد. تصویری است عینی از چشم انداز و برداشت نویسندگی از زندگی.» (ورکلائی، ۱۳۸۹: ۲)

شخصیت زن در جوامع کهن پیوسته دارای ظاهر و باطنی سنتی، همراه با تعصبات خشک و دست و پاگیر بوده‌است. این موجودات به ظاهر بسیار ترد و ظریف ولی در باطن مقاوم و مستحکم، پیوسته در حصار خرافات و محدودیت‌های فرا گیر محبوس می‌باشند و علت اصلی آن مهجور بودن از فضاهای اجتماعی و فرهنگی و سیاسی است ولی با این وجود قطب و محرک اصلی اقتصاد خانواده را تشکیل می‌دهد.

بند دوم: بیان مسئله

محورهای اصلی این جستار بررسی تطبیقی یک رمان فارسی و یک رمان افغانستانی که به زبان انگلیسی نوشته شده‌است می‌باشد. با توجه به موضوع آن جایگاه زن را از نگرش دو نویسنده مورد پژوهش قرار می‌دهیم. رمان ایرانی شوهر آهو خانم نوشته‌ی عل محمد افغانی ۱۳۴۰ ش/ ۱۹۶۲ م با

رمان هزاران خورشید تابان نوشته خالد حسینی ۱۳۸۷ ش/ ۲۰۰۷ م موضوع هر دو رمان اجتماعی است رویدادهای هر دو رمان را اصول دست و پا گیر سنت در بر گرفته است.

بند سوم: سوال های اصلی

- ۱- دیدگاه های مشترک نویسنده ایرانی (محمد علی افغانی) با نویسنده افغانستانی (خالد حسینی) چیست؟
 - ۲- دیدگاه های متمایز نویسنده ایرانی (محمد علی افغانی) با نویسنده افغانستانی (خالد حسینی) چیست؟
 - ۳- ویژگی های زنان نقش اول در این دو رمان چیست؟
- روش تحقیق: روش انجام این تحقیق توصیفی، تحلیلی است و ابزار گردآوری مطلب اسنادی- کتابخانه ای است.

بخش دوم: شوهر آهو خانم

بند اول: معرفی نویسنده

علی محمد افغانی از پیش کسوتان رمان اجتماعی در سبک رئالیسم است و نخستین مؤلفی است که زن ایرانی را با تمام ابعاد ظاهری و باطنی، تفکرات منزویانه، محدودیت ها، حسادت ها، آمال ها و تمایلات محدودش به تصویر کشیده است افغانی خود می گوید: «آیا تا به حال کسی وجود داشته که این وحشیگری آشکار و این ماجرای کینه توزانه را که بر زن ایرانی می گذرد، بنویسد و در جایی ثبت کند.» (علوی، ۱۳۴۲: ۱۴۱) نویسنده در این داستان به زنان نگریسته که دستخوش مسائل دست و پا گیر سنت هستند و از طرفی دیگر دریچه های فرهنگ غربی به روی ایران گشوده شده است و تناقض هایی را که با فرهنگ ایران داشت و مسائل اجتماعی و تمدنی ما را در بحران قرار داد.

علی محمد افغانی با سبکی که در نگارش داستان نویسی خود به کار برده است راهی را برای پیدایش رمان های اجتماعی باز می کند. او سعی دارد اول مضامین اجتماعی و سیاسی را در رأس داستان قرار دهد و سپس مسائل زنان و جایگاه اجتماعی آنان را مورد بررسی قرار دهد.

بند دوم: معرفی رمان

این اثر آینه ی تمام نمای جامعه ما در دوره ی پهلوی اول و آغاز جنگ جهانی دوم و ورود متفقین به این دیار است و رمانی اجتماعی است که به سبک رئالیسم نوشته شده است، منبعی خوب برای مطالعات فرهنگی درباره ی الگوهای رفتارهای مردان جامعه ما است در حالی که همچنان مشاهده می کنیم که چند همسری با اشکال آن هنوز مسئله ی مهم جامعه می باشد و گویی برای مردان امری عادی تلقی می شود.

هر اثر ادبی بیانگر جایگاه ادبی و اجتماعی صاحب اثر است با توجه به محتوای این رمان شایان ذکر است که این کتاب اثر بارز، خارق العاده و پرحرکتی است و انعکاس وقایع جامعه را در بردارد و به راحتی می‌توان جدال سنت و مدرنیته - تعصب و سنت گرایی را رؤیت کرد.

این رمان دورنما و درپچه ایست که درون مایه‌ی اصلی آن با واقعیت تأسف بار زندگی زنان در قشرهای پایین جامعه در سال‌های ۱۳۱۳ به بعد می‌باشد و نویسنده سعی دارد آیین چند همسری را نکوهش کند و مناسبات خانوادگی و ضوابط احساسی و عاطفی مرتبط با آن بازنمایی نماید اما بیشتر به جنبه‌های ظاهری توجه شده‌است و خواننده می‌تواند تمام جزئیات صورت و یا اندام شخصیت‌های داستان را در ذهن خود ترسیم کند و این خود بدین سبب است که افغانی خود نویسنده سبک رئالیسم بوده‌است که به شرح جزئیات ظاهری و واقعی شخصیت‌ها بپردازد. از طریق آن می‌توان افراد و جامعه‌ای را که در آن هستیم به صورت محسوس و ملموس مشاهده کرد. کثرت شاخصه‌ها و جنبه‌های ظاهری و واقعی پرداخت عناصر داستان گویای سبک و شیوه‌ی رئالیستی افغانی است او با بهره‌گیری از مشاهدات و تجارب عینی، خود را ملزم به بیان واقعیت نمایی در رمان می‌داند.

در این رمان تفکرات پدرسالاری و شوهرسالاری هیچگاه اجازه ظهور و شکوفایی و تجلی در مجامع علمی و فرهنگی و اجتماعی را نداد و او را در چارچوب خانه محصور و محبوس کرد. در تصورات مردان ایران زمین از زن تصویری وارونه وجود داشته است از این رو در جامعه تا چند دهه قبل تسلط فرهنگ مرد سالاری مرسوم بوده‌است.

بند سوم: معرفی شخصیت اصلی زن در رمان

«آهو خانم در حقیقت غم‌نامه‌ی زن ایرانی است» (سپانلو، ۱۳۷۱: ۱۷۰) و سند محکومیت سرنوشتی که در سال‌های روایت شده برای زنان وجود داشته است. ازدواج در آن دوران به چشم آنان قمار بود که غالباً با دغل بازی شروع و با نقض و عهد شکنی پایان می‌یافت و این همان ماجرای بود که زندگی آهو را در بر گرفت.

«آهو خانم صبورانه از کانون خانواده‌اش دفاع می‌کند و هما با حوصله به راندن او از صحنه مشغول می‌شود. دفاع یأس آور آهو خانم و توسل به همسایگان و دوستان، دعا، نذر و جادو نتیجه‌ای نمی‌دهد و او را روز به روز بیشتر عقب نشینی می‌کند» (سالمیان ۱۳۹۲: ۳۵)

این کتاب تصویر دو زن متفاوت را نشان می‌دهد یکی عشوه‌گر و دیگری متعهد، متدین و نجات دهنده می‌باشد عشوه‌گر تا حدی که سیدمیران را به شراب خواری، هوس بازی و قاچاق سوق می‌دهد.

بند چهارم: نکات منفی و مثبت شخصیت اصلی داستان

آهو خانم از نواقص و بی‌توجهی‌هایی که از نظر ظاهری داشته واقف می‌شود و تا اندازه‌ای خود را در ازدواج مجدد سید میران مقصر می‌داند و زمانی می‌خواهد تلافی کند که دیگر فرصتی برای جبران نمانده است. «آهو خانم رفته رفته ضمن حوادث داستان دگرگون می‌شود و وقتی داستان پایان می‌یابد دیگر همان نیست که در آغاز بوده آهو خانم موجودی توسری خور به زنی پرتحرک دارای اعتماد به نفس مبدل می‌شود» (سالمیان، ۱۳۹۲: ۳۵) و این خود گویای شخصیت یک زن اصیل ایرانی که دارای تفکرات انعطاف پذیر است.

قداست و عظمتی که علی محمد افغانی برای آهو احرار کرده است را می‌توان در واژه ی «خانم» یافت. آهو خانم در نهایت درماندگی و شکست وقتی از تصمیم فرار سید میران و هما باخبر می‌شود به دنبال سیدمیران می‌رود و او را به خانه و خانواده باز می‌گرداند.

نکات منفی رمان: «بنابراین زنان هم در تثبیت وضعیت نابرابریشان در مقابل مردان نقش دارند، تربیت نسل‌ها بر عهده‌ی مادر است، آهو با این رفتارها و تفکراتش به کلارا دخترش یاد می‌دهد که مانند خودش، چون زن است باید مطیع و منفعل باشد. به بهرام القا می‌کند که چون مرد است زمام امور خانه در دست اوست و در آینده می‌تواند حق و حقوق زنش را زیر پا بگذارد» (نیکوبخت، ۱۳۹۲: ۲) و آهو خانم بدون اینکه بفهمد به طور مستقیم این فرهنگ غلط را به فرزندانش آموزش داده است.

بند پنجم: نمادپردازی در داستان

«آهو» در ادبیات فارسی در نگاه اول نماد زیبایی و سپس نماد نجابت و پاکی، مظهر آزادی و بی‌گناهی، از حیوانات آرام و بی‌آزار است. «در زبان فارسی دو واژه‌ی آهو وجود دارد که نخستین واژه به معنی عیب واژه ای مرکب که در زبان فارسی میانه است: «آ» پیشوند منفی ساز و «هو» به معنی نیکی و خوبی است. دومین واژه به معنای آهوی جانور است که در زبان ایرانی میانه «آسو خوانده می‌شده است و به معنی دونده سریع است.» (مباشری، کریمی، ۱۳۹۴: ۲) بی‌شک افغانی نام آهو را به معنای پاکی و بی‌گناهی به کار برده است.

بند ششم: معیارهای مورد بررسی در رمان

معیارهای مورد بررسی اغلب حول محور جامعه- دین- سیاست - اخلاق و جایگاه زن می‌چرخد و بیشتر شخصیت های اول و اصلی داستان را از بین زنان انتخاب می کند و از جوهرهایی که بر زنان آن دوره رفته است سخن می‌گوید.

بند هفتم: اثرات شخصیت نویسنده در ایجاد شخصیت رمان

افغانی چون خود از بطن سختی‌ها و جور حاکم بر جامعه‌ی آن روزگار برخاسته بود درد آنان را لمس کرده بود و همصدا با ناله‌هایشان فریاد کرده بود، نقش اصلی شخصیت را از خانواده‌ی خود یعنی مادرش برگزیده بود و خود نیز به جای فرزند بزرگ آهو خانم یعنی بهرام ایفای نقش می‌کرد. «نویسنده تمام اتفاقات رمان را مشاهده و درک کرده است. او با شخصیت‌های رمان که آنها را می‌شناخت از نزدیک آشنایی داشت. طرز برخورد و تفکرشان، قیافه‌ها، حرفه‌هایشان و نحوه‌ی زندگیشان را لمس کرده‌است» (کازرونی، ۷-۱۳۷۳: ۸).

بخش سوم: نقش شخصیت اصلی

• نقش سیاسی، اجتماعی، اقتصادی

آهو خانم چون در بیشتر میهمانی‌های زنانه که اغلب بعد از ظهرها با زن‌های همسایه برگزار می‌شد شرکت داشت دارای نقش اجتماعی ارتباط عمومی قوی بود همچنین در اوایل زندگی به خاطر فقر مالی که سیدمیران داشت و قادر به گرفتن کارگر نبود آهو خود به تنهایی در نانوائی کار می‌کرد و سیدمیران به دوره‌گردی برای فروش نان می‌پرداخت و بعد از آن نیز به کارهای هنری می‌پرداخت و درآمد اندکی را پس انداز می‌کرد و فعالیت اقتصادی برای خانواده داشت ولی از نظر سیاسی به دلیل بیسوادی و جدا بودن از محافل علمی هیچ تبخّر و سهمی نداشت.

بخش چهارم: هزاران خورشید تابان

بنداول: معرفی نویسنده

در هزاران خورشید درخشان دومین اثر خالد حسینی، با انبوهی از اطلاعات در مورد افغانستان مواجه می‌شویم این اثر درباره‌ی فرجام تلخ و شکست‌های تحقیرآمیز شخصیت‌های هم وطن اوست او از فقرمردمان دیار خود رنج می‌برد و در نهایت در سال ۲۰۰۷ دست به تأسیس بنیادی به نام «بنیاد غیرانتفاعی خالد حسینی» می‌زند و کمک‌های بشردوستانه به پناهندگان و بی‌خانمان‌های افغانستان و فرصت‌های اقتصادی، آموزشی و درمانی را برای نیازمندان فراهم می‌کند. خالد به راحتی مخاطب را با جامعه‌ی مردسالار افغانستان آشنا می‌کند و چهره‌ی جدیدی از فرهنگ و ریشه‌های ملتش را به تصویر می‌کشد و با آثارش به آسیب شناسی اجتماعی افغانستان می‌پردازد او به دلیل سبک رئالیستی که دارد از الگوهای واقع‌گرایانه استفاده می‌کند.

بند دوم: معرفی رمان

نام هزاران خورشید تابان را بنا به گفته‌ی خودش از شعر صائب تبریزی که در وصف کابل سروده شده است گرفته شده است. فلک از آفتاب آیینی داری پیشه می‌سازد دو صد خورشید رو افتاده در هر پای دیوارش. او قصد دارد روایتگر دردهای کهنه و فریادهای بی صدای زنان افغانستان باشد. در این کتاب از فلاکت غیرقابل وصفی که بر دو زن یعنی لیلا و مریم می‌رود سخن به میان می‌آید.

خالد در حاشیه داستان گذری بر رویدادهای سیاسی و حوادث افغانستان دارد و وقایع سیاسی از زمان کودتای سال ۱۹۷۳ علیه ظاهر شاه تا بعد از ۱۱ سپتامبر حکایت می‌کند. عقب نشینی روس ها مجاهدت های مجاهدین با روس ها و درگیری های قومی و قبیله ای و مصائب بی شمار مردم در این کشور را به تصویر می کشد و همچنین رویدادهای ۱۱ سپتامبر و مصائب متعاقب آن را شرح می دهد.

شهرت اصلی نویسنده به خاطر نگارش دو رمان بادبادک باز و هزاران خورشید تابان است خالد ساکن ایالت متحده آمریکاست و آثارش به زبان انگلیسی است او در رمانهایش از تعقید معنوی و تعقید لفظی پرهیز می کند و به شیوه ای ساده ولی صمیمی داستان خود را بیان می کند.

در فراز و نشیب هایی از این رمان مخاطب به شدت احساساتش برانگیخته می شود و حس ترحم و همونوع دوستی او را به ادامه داستان می کشاند. خالد گاهگاهی شخصیت های داستانش را مانند شخصیت های افسانه های پریان به تصویر می کشد و خواننده حس انزجارش را نسبت به آداب و رسوم کهن و باورهای دست و پا گیر جامعه، ازدواج های زود هنگام و اجباری برمی انگیزد. همه شخصیت ها در این داستان تک بعدی هستند.

بند سوم: معرفی شخصیت زن در رمان

هزاران خورشید تابان شناسنامه زنان افغانستان است و سرشار از اختلافات قومی، فاصله ی طبقاتی، تبعیضات و تعصبات خرافی می باشد.

زنانی در این رمان به تصویر کشیده شده اند که بسیار در حاشیه ی زندگی هستند و دیده نمی شوند و در جامعه هیچ اهمیتی ندارند ولی در عین حال بار اصلی جنگ و خشونت و محرومیت را بر دوش می کشند و قربانی تعصبات کور و بی منطق گروهک های به ظاهر مسلمان مثل طالبان می شوند.

زنان در این رمان بسیار مقاوم و سرسخت تاب می آورند. تلخ ترین قسمت داستان در زمان حکومت طالبان و قوانین وحشیانه ی او بود. گشت های پاترول طالبان و بیمارستان هایی که زن های زانو را فقط به سبب زن بودنشان پذیرش نمی کردند

بند چهارم: نکات منفی و مثبت شخصیت اصلی رمان

تعرض به زنان، خود کشی ها، کشتن زن‌ها بعد از تجاوز، زندگی در زندان و به دنیا آوردن فرزندان در شرایط اسف بار زندان و.....همگی گوشه ای از زندگی زنان بی دفاع افغانستان است نگاه های منفی مریم به زندگی که البته نشان از حقارت‌هایی است که از سرنوشت دیده است در متن داستان تکرار می‌شود. «نانا به او گفته بود، مریم انگشت اتهام یک مرد درست مثل عقربه‌ی قطب نما که همیشه قطب شمال را نشان می‌دهد همواره به سوی زن اشاره رفته‌است». (حسینی، ۱۳۸۶: ۴۲۴) مریم در خانهای بزرگ شده‌است که هیچ وقت رنگ زندگی مشترک را ندیده است و مادرش به جرم اتهامی که زنان رشید به او داده‌اند و تجاوزی که رشید به او کرده‌بود بیرون از شهر در کنار یک برکه و به دور از هیاهو و رفت و آمد مردم بزرگ شده بود.

مریم چون پدرش چند همسر داشته‌است به جرم گناه پدرش باید رنج هووداری را متحمل شود. نانا با تکرار واژه‌ی ناپسند و زشت «حرامزاده» پیوسته یادآور عمل قبیح و ناجوانمردانه‌ی جلیل است که می‌توانست به طرز دیگری آن را در ذهن مریم بگنجانند و مریم را به جنس مخالف خود بدبین و بیزار نکند تا سبب نشود که مریم با بغض و ناامیدی زندگی زناشویی را بپذیرد.

بند پنجم: نمادپردازی شخصیت اصلی زن در رمان

نویسنده نام مریم به خاطر دفاع از شخصیت معصوم او که به گفته‌ی نانا یک حرامزاده است، از نام مریم مقدس برگرفته‌است زیرا به زعم او مریم در این گناه (حرامزادگی بودنش) بی‌تقصیر است. و لیلا هم چون بسیار به طارق عشق داشته است بنا به پیوندی که با ادبیات ایران دارند از داستان لیلی و مجنون الگو گرفته است و نام لیلا را برای او برگزیده است.

بند ششم: اثرات شخصیت نویسنده در ایجاد شخصیت اصلی رمان

خالد چون خود اهل افغانستان و از پوست و گوشت و خون آنها بوده به راحتی توانسته در افکار و اذهان آنان رخنه کند و حس و حال و دردها و رنج های آنها را شناخته و با تبخّر خاص به تصویر بکشد.

بند هفتم: نقش شخصیت اصلی

• نقش سیاسی، اجتماعی، اقتصادی

مریم به دلیل مهجور بودن از دنیای مردمان آن روزگار و محکوم بودن به زیستن در حاشیه‌ی رودخانه‌ای که گذر هیچ کسی به آنجا نمی‌افتاد از ارتباطات عمومی و اجتماعی بی‌بهره بود و هرگز طعم بازی در جمع همسالان خود را تجربه نکرده بود و در نوجوانی هم به اقتضای نیازهای روحیش فیضی از حضور درمجامع عمومی و هم صحبتی با دوستان خود را نبرده بود به این دلیل از سیاست روز هم بی‌اطلاع بود و وقتی که رشید از اخبار روز صحبت می‌کرد مریم دستپاچه و بدون درک فقط آن را تأیید می‌کرد.

از نظر اقتصادی هم مریم غیر از پخت و پز و نظافت منزل هیچ هنر و یا فعالیتی که به مخارج خانه مساعدتی کند نداشت.

بخش پنجم: اشتراکات دو رمان

در هر دو رمان با وجود اینکه زنان نجیب، خانه‌دار، متدین، نظیف، فهیم و وفادار به همسر و فرزند هستند در عین حال همسرانشان به آنان خیانت کردند. در شوهرآهو خانم سید میران این خطای خود را با نام «ازدواج مجدد» پوشش می‌دهد و در هزاران خورشید تابان رشید با عنوان کردن این مطلب که وجود یک دختر عزب در منزل او برای او بدنامی به بار می‌آورد و همسایگان نسبت به او دچار شک و شبهه می‌شوند، با به نکاح در آوردن او این امر را مجاز و عادی جلوه داد.

افغانی و حسینی برای یافتن شخصیت اول داستان از اطرافیان خود الگو برداری می‌کنند. افغانی آهو خانم همان مادر نویسنده است و افغانی نقش بهرام فرزند او را دارد. و خالد حسینی هم بنا به گفته خود از زنان و دختران برقه پوش پیرامونش الگو برداری کرده است.

هر دو با استفاده از مسائل سیاسی روز تنه اصلی رمان را با سیاست پیوند داده‌اند. شوهر آهو خانم آیینی تمام نمای جامعه ما در دوره ی پهلوی اول و آغاز جنگ جهانی دوم و ورود متفقین به این دیار است. ایران هم با شروع جنگ جهانی دوم و ورود متفقین به شهر کرمانشاه و به سلطنت رسیدن رضاشاه و اقدامات او از جمله کشف حجاب و متحول شدن پوشش ظاهری می باشد دچار بحرانهای فرهنگی و سیاسی می شود ولی حکومت همچنان تحت نظر انگلیس بوده است و مهار حکومت را به طور نامحسوس و غیر علنی در دست داشته است. با رویداد کشف حجاب هما و سید میران متجدد می‌شوند و بی‌بندوباری را پیش می‌گیرند. در هزاران خورشید تابان، تحولات سیاسی و فرهنگی روی می‌دهد و حکومت افغانستان از کمونیستی تغییر می کند و به حکومت جمهوری مبدل می شود.

هر دو نویسنده سعی در دفاع از حقوق پایمال شده زنان مظلوم جامعه خود را دارند و در پایان مانند فرجام هر داستانی حق آنها از ستمگران گرفته می‌شود. سید میران در ازدواج دوم به سوی قاچاق و گرانفروشی نان می‌رود و در آخر کار دستگیر و روانه زندان می‌شود و پس از گذراندن حبس نادم و سر به زیر به زندگی سابقش باز می‌گردد.

در هر دو رمان شخصیت های اصلی آن هر دو اُمی و دور از سیاست و فرهنگ روز هستند. آهو خانم که شخصیتی پویا دارد در آخر داستان پس از آگاهی از تصمیم شوهرش به فرار با معشوقه، شخصیتش تغییر می‌کند و با اقتدار و شجاعت از حق پایمال شده ی خود و فرزندانش به دفاع می‌پردازد و در هزاران خورشید تابان نیز مریم پس از سالها تحمل رنج و ستم رشید به ستوه می‌آید و هنگام درگیری با لیلا و فشردن گلوی لیلا تا سرحد مرگ، کاسه‌ی صبرش لبریز می‌شود و به انباری می رود و با آوردن بیل به همه‌ی این فلاکت ها خاتمه می‌دهد و با ضربات بیل رشید را به قتل می‌رساند.

هر دو نویسنده به تناسب موضوع، دردهای اجتماعی که به تصویر کشیده‌اند از سبک رئالیسم پیروی کرده‌اند.

همه و همه دردهای مشترکی هستند که هزاران خورشید تابان را با شوهر آهوخانم دچار گره خوردگی عمیقی می‌کند.

بخش ششم: افتراقات دو رمان

آهوخانم وقتی از تصمیم شوم و خیانت شوهرش مطلع می‌شود برای اصلاح وضع ناگواری که پیش آمده است، دست به یک سری کارها می‌زند به دوستان و آشنایان پناه می‌برد و از آنها چاره جویی می‌خواهد و رسیدگی به وضع ظاهری خود و توجّه عاطفی به سید میران می‌کند

ولی مریم وقتی رشید موضوع ازدواجش را با لیلا در میان می‌گذارد هیچ دفاعی از حقوق پایمال شده‌ی خود نمی‌کند و با رضایتی که از روی اجبار است می‌پذیرد.

با توجّه به اینکه واژه‌ی «خانم» در فرهنگ ایران پیوسته از شکوه و ارجحیت و قابلیت بارزی برخوردار است، نویسنده‌ی شوهر آهوخانم برای او جایگاه ویژه‌ای قائل بوده‌است و با دادن پسوند «خانم» به او، وی را از دیگر شخصیت‌های رمان متمایز کرده‌است.

اما خالدی هرچند از نجابت و معصومیت مریم حمایت کرده‌است و در متن داستان از مظلومیت او بحث کرده‌است ولی در خطاب، با دیگر شخصیت‌های رمان هیچ فرقی ندارد و هیچ پسوندی که گویای مظلومیت، معصومیت و ارجحیت او باشد به کار نرفته‌است.

از دیگر تفاوت‌های داستان اعمال دستورات بی‌رحمانه طالبان در متن داستان است آنجایی که لیلا را برای زایمان فقط به جرم زن بودنش پذیرش نمی‌کردند و دیگر دستورات وحشیانه دیگر که تفکر به این قوانین حتی از قوانین جنگل هم بیرحمانه‌تر است اوج شقاوت و اجحاف حقوق زنان را برای ما بیان می‌کند.

ولی خوشبختانه در فرهنگ ایران کهن از این تحقیرات بی‌رحمانه خبری نبوده‌است و نگرش زن در ایران به تناسب نگرش افغانستان به زن تفاوت بسیاری رؤیت می‌شود. در ایران چه کهن و چه معاصر فقط اصرار در محبوس بودن زن و رؤیت نشدن در انظار نامحرمات و تداخل در امور سیاسی وجود داشته‌است. و اگر دید خود را به این مسئله مثبت کنیم شاید به دلیل بار مسئولیت سنگینی که زنان در منزل به عهده داشته‌اند آنان را از دیگر وظایف اقتصادی و فرهنگی و سیاسی مصون داشته‌اند.

نتیجه‌گیری

در این دو رمان به صراحت افول مساوات و رعایت حقوق زن در جامعه و عدم حمایت اجتماعی و فرهنگی از زنان و کودکان شیوع دارد و ارتجاع و تعصب را با جالب‌ترین تصاویر نشان داده‌است.

تقریباً با شروع انقلاب کبیر فرانسه و دیگر انقلاب ها در سطح جهان ، تحولات عظیمی در تفکرات و انظار مردم رخ داد با ورود این افکار جدید بین سنت و مدرنیت تناقض ایجاد شد و این تناقضات موجب گردید دیدگاه زن را به سوی دریچه های گشوده شده از فرهنگ غرب سوق داد و البته با تنش ها و چالش های پیاپی، خود را در مجامع فرهنگی و علمی جای داد و از مقتضیات عصر و عوامل اجتماعی و جامعه تأثیر گرفت. افغانی کوشیده است تا اثبات کند که افراد در به وجود آوردن حوادث تلخ زندگی خود نقش دارند و آهو با تسلیم شدن در برابر تحقیرات و محدودیت ها خود غیر مستقیم سکوت در تحمل حقارت ها را به دخترش و زورگویی و خیانت به زنان را به پسرش آموزش می دهد.

نویسندگان با ترسیم فضای بیمار جامعه، کهنگی افکار، نگرش های غلط به دین، کمبود فضای فرهنگی و عدم آزادی زنان در تعیین سرنوشت خود را عامل اصلی بدبختی و فلاکت آنان دانسته اند و راه نجات را در پذیرش تجدد فرهنگی با دید گاه باز و معقولانه و وجود حکومتی اسلامی با نظارت درست میدانند.

هر دو نویسنده سعی دارند با طرح این رمانها به طرز عامدانه ای شخصیت اصلی رمان را با آگاهی و سنت شکنی در بطن سیاست و فرهنگ جای دهند و افکار کهن و تعصبات کور اجدادشان را نفی کنند. آنها را در سرنوشت خود، فرزند، جامعه و کشورشان سهیم کنند. جای تحسین و تقدیس دارد که ترویج این آثار بیش از حد آنها را در وقوع اهدافشان پیروز کرد البته رسانه ها هم به یاریشان شتافت و چشم آنها را به دنیای پیرامونشان بینا کرد. رسانه ها و نهادها، متولی ارتباط فرهنگی بین دو کشور هستند و رایزنی های فرهنگی و علمی این زنجیره را مستحکم تر می کند که مسئولین باید بستر عملی این کار را فراهم سازند. کشور جمهوری اسلامی ایران باید با حمایت و استقبال از نخبگان افغانستان ارتباط بین دو کشور را به ویژه در حوزه ادب و علم و هنر مستحکم کند زیرا عطش و اشتیاق دادوستدهای فرهنگی در بین نخبگان بسیار چشمگیر است. تنگناهای اداری و اقامتی این افراد که شاید اصلی ترین و دشوارترین عامل تردد این افراد است، با رایزنی رفع کنند.

منابع و مأخذ:

- ۱- افغانی، علی محمد، (۱۳۵۷) شوهر آهوخانم، تهران: انتشارات امیر کبیر
- ۲- پرهام، سیروس، ادبیات معاصر ایران: شوهر آهوخانم، مجله راهنمای کتاب، ش ۱۰، ص ۴، دی ماه ۱۳۴۰، صص ۹۷۰-۹۷۴
- ۳- حسینی، خالد (۱۳۸۶) هزاران خورشید تابان، ترجمه‌ی مهدی غبرانی، نشر ثالث، چاپ چهارم ۱۳۸۶
- ۴- سالمیان، غلامرضا، وسید محمد آرتا، دنیا حیدری، بازتاب مؤلفه های مکتب رئالیسم در رمان شوهر آهوخانم، فصلنامه‌ی زبان و ادبیات فارسی سال ۲۱، شماره ۷۵، پائیز ۱۳۹۲
- ۵- سپانلو، محمدعلی (۱۳۷۱) نویسندگان پیشرو ایران: از مشروطیت تا ۱۳۵۰ (تاریخچه رمان - قصه کوتاه - نمایشنامه و نقد ادبی در ایران معاصر)، تهران: نگاه
- ۶- علوی، بزرگ، شوهر آهوخانم، مونیخ، مجله کاوه، ش ۵، مرداد ۱۳۴۱، صص ۱۴۲-۱۳۴
- ۷- قربانی ورکلایی، معصومه، نقد جامعه شناسی بر رمان شوهر آهوخانم اثر علی محمد افغانی، بهمن ۱۳۸۹
- ۸- کازرونی، جعفر، تلخیص و نقد آثار علی محمد افغانی: شوهر آهوخانم، تهران، سهیل: ۱۳۷۳
- ۹- مباحثی، محبوبه، و طاهره کریمی، تحلیل شناختی تصویر آهو در دیوان شمس، مقاله ۲، دوره ۹، شماره ۲، زمستان ۱۳۹۴، صص ۲۵-۵۰
- ۱۰- نیکو بخت، ناصر، و غلامحسین غلامحسین زاده، و کبری روشنفکر، و خانان محمد موسی طاحون، سیمای زن در رمان شوهر آهوخانم و الثلاثیه (جلد اول: بین القصرین) اسفند ۱۳۹۲
- ۱۱- نفیسی، سعید. تاریخ معاصر ایران، انتشارات نگاه. جلد ۱، ۱۳۷۴

توجه داشته باشید: جهت چاپ مقالات خود در نشریات علمی و همایش های معتبر با (خانم دکتر جعفری) ۰۹۱۹۶۷۴۸۶۲۵ تماس بگیرید. گواهی نامه پذیرش و چاپ مقاله، کمتر از ۷۲ ساعت صادر می گردد.

موسسه علمی و حقوقی قانون یار
برگزار می کند

وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی
اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی کرمانشاه

جمهوری اسلامی ایران
وزارت آموزش و پرورش

دانشگاه فرهنگیان

جمهوری اسلامی ایران
وزارت آموزش و پرورش

جمهوری اسلامی ایران
وزارت آموزش و پرورش

موسسه قانون یار

پنجمین همایش علمی - پژوهشی

مطالعات علمی علوم انسانی در جهان اسلام

ارگان ها و سازمان های حامی معنوی برگزاری همایش (در استان کرمانشاه)
دانشگاه فرهنگیان - سازمان ارشاد اسلامی - آموزش و پرورش - بنیاد شهید، سازمان شهرداری و

www.Olomensani.ir www.Ghanonyar.ir

محورهای پذیرش مقالات

تمام گرایش های رشته فقه، حقوق و علوم قضایی علوم تربیتی، تکنولوژی آموزشی و آموزش و پرورش
روانشناسی، علوم اجتماعی، علوم دینی و مذهبی علوم اقتصادی، بانکی و تمام گرایش های مدیریت

مدیر اجرایی همایش
دکتر شهباز رضایی

دبیر علمی و مسنول همایش
دکتر بهنام اسدی

مکان و زمان برگزاری همایش
کرمانشاه - ۱۴۰۱/۱۲/۱۱

ایمیل رسمی همایش جهت دریافت مقالات پژوهشگران
OLOMENSANI@YAHOO.COM

ارسال مقاله از طریق واتس آپ، ایتا، سروش، تلگرام، روبیکا به شماره ۰۹۱۰۰۶۳۶۰۰۲

دبیرخانه مرکزی موسسه قانون یار: تهران، میدان انقلاب، خیابان اردیبهشت، موسسه قانون یار ۰۵۲۶ - ۰۲۱۶۶۹۷۹۵۱۹

((در صورت طرح سوال درخصوص ارسال مقاله یا جذب در هیات علمی همایش با خاتم دکتر قبادی تماس بگیرید. ۰۹۱۹۶۷۴۸۶۲۵))











